

متن پیاده سازی شده جلسه چهل و چهارم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 1 دی 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

دیروز آیات مورد استدلال موافقین خبر واحد را بررسی کردیم و عرض کردیم که چون آیات سوال و جواب مشابه ای دارند لذا به سایر آیات نمی پردازیم؛ اضافه بر ادله مطرح شده دیدم که مرحوم سید مصطفی خمینی رحمه الله ادله امر به معروف و نهی از منکر را ذکر کرده اند و اینگونه برداشت کرده اند که لازمه وجوب امر به معروف و نهی از منکر وجوب پذیرش است؛ البته مرحوم سید مصطفی این آیه را نپذیرفته اند اما از عوض موافقان حجیت خبر واحد ذکر کرده بودند.

استاد: آیه ولتكن منكم امة يدعون الى الخير يامرون بالمعروف ... که از ادله وجوب امر به معروف است اطلاق ندارد و شامل همه فروع (چه علم آوربرای سامع باشد چه اطمینان و...) نمی باشد.

استاد: در قرآن آیات دلالت بر حجیت خبر واحد نمی کنند و لذا به آیات نمی توان تمسک کرد؛ اما می توان به سایر ادله برای حجیت خبر واحد مانند سنت، عقل، اجماع پرداخت.

مخالفان حجیت خبر واحد هم به قرآن تمسک می کنند.

1: تعلیل ذیل آیه نبا: ان تصيبوا قوما بجهالة فتصبحوا على ما فعلتم نادمين؛ مرحوم طبرسی دیدید که فرمود این تعلیل شامل خبر عادل هم می شود و لذا این تعلیل دلالت بر عدم حجیت خبر واحد دارد.

2: آیاتی که نهی میکند از تبعیت از غیر علم و ظن مانند آیه لا تقف ما لیس لك به علم... و معتقدند که تمسک به خبر واحد تکیه بر غیر علم است و لذا نمی شود به آن تکیه کرد.

معمولاً آقایان در جواب می گویند تعلیل ذیل آیه محکوم مفهوم صدر آیه است چرا که ذیل آیه گوید اگر آنچه که جهالت است را اخذ کنید نادم می شوید اما صدر آیه می گوید اخذ به خبر فاسق درست نیست اما اخذ به خبر غیر فاسق اشکالی ندارد و مصداق جهالت نیست.

اما نسبت به آیاتی که نهی از عمل به غیر علم می کند معمولاً آقایان جواب می دهند که این آیات یا مربوط به اعتقادات است یا مربوط به بت پرست هاست که در خیالات خود بت ها را می پرستیدند یا مربوط به صفات خداوند است مانند اینکه خداوند پسر دارد یا دختر و... و ربطی به غیر اعتقادات ندارد.

جواب دیگر نسبت به آیات ناهیه: درست است که ما آیات ملامت از ظن را داریم اما اگر بخواهیم مواردی را خارج کنیم که بنا عقلاً بر پذیرش آن موارد است مثل اینکه بنا عقلاً بر پذیرش خبر واحد است و ما با عموم آیات ناهی از ظن این بنا را خارج کنیم در این صورت دور پیش می آید چرا که عموم آیات ناهیه متوقف بر این است که چنین بنایی شرعاً اعتبار نداشته باشد و از طرفی اعتبار نداشتن چنین سیره و بنایی متوقف بر همین عموم آیات ناهیه است.

استاد: بهتر است فارغ از بحث های گفته شده یکبار خودمان به قرآن سری بزنیم و سپس داوری نماییم.

استاد: ما وقتی آیات مذمت از گمان را نگاه می کنیم انصافاً برخی از آیات در مورد اعتقادات است مثلاً آیه سوره یونس: ان يتبعون الا الظن و ان هم الا یخرسون ... اینها که غیرخدای تعالی را خدا می خوانند کار اینها حدس و گمان است. اما سه آیه وجود دارد که در این سه آیه نمی شود گفت که خدای تعالی فقط مرادش اصول اعتقادات است به عنوان مثال این سه آیه را ببینید.

1: و ما يتبع اكثرهم الا ظناً ... ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً... اگر خدای تعالی می خواست یک کبری ذکر کند و بفرماید که این مردم جایی که یقین ندارید به درد شما نمی خورد و... چطور باید می فرمود؛ ما از مرحوم آخوند سوال می کنیم چطور

خدای تعالی باید این کبری را بیان می کرد؟

2: لا تَقْفُ ما لیس لك به علم ... خدا چطور باید می فرمود که به غیر از علم تکیه نکنید؟

3: ما لهم به من علم ان يتبعون الا الظن

استاد: شکی نیست که آیات شامل اصول و فروع دین می شود؛ و قرآن در این موارد به فطرت واگذار می کند و می فرماید ظن لا یغنی من الحق شیئا ..

موافقین حجیت خبر واحد باید بگویند که خبر واحد یا از آیات ناهیه تخصیص خورده و یا بگویند تخصیصا خارج است؛ بیان تخصص: اگر حجیت خبر واحد به پشتوانه علمی و یقینی باشد در این صورت حجیت خبر واحد تخصیصا از آیات ناهیه خارج است.

مرحوم علامه در المیزان هم تعبیر به تخصیص دارد و هم تعبیر به تخصص؛ اما کلام ایشان تهافت ندارد چرا که اگر ما خود خبر را بخواهیم بنگریم می شود تخصیص اما اگر خبر واحد را به عنوان پشتوانه اش که یقینی است نگاه کنیم می شود تخصص
و الحمد لله رب العالمین